

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۲ اپریل ۲۰۲۳



یونس نگاه

## ضرورت تفکیک اصول و فروع مبارزه با استبداد

جنبش مشروطیت در افغانستان اولین تلاش جدی برای ساختن دولت استوار بر قرارداد اجتماعی بود. آن تلاش‌ها به تکرار به نبرد فراخوانده شد، ولی هرگز متوقف نشد، بلکه هر روز جدی‌تر و وسیع‌تر پی‌گیری شد. تاریخ معاصر افغانستان از یک زاویه داستان تلاش پیروزمندان ما برای شکل‌گیری دولت دموکراتیک و انتخابی است. شمار پیروزی‌های ما اگر بیشتر از شکست‌ها نباشد، کمتر از آن هرگز نیست. امروز نیز رویارویی اصلی سیاسی در افغانستان بین دو دیدگاه بر سر مشروعیت نظام است. جبهه‌ای که قرارداد اجتماعی را معتبر می‌شمارد، در بیش از یک سده تجارب درخشانی به میراث مانده است و آنانی که شرع، دستور یا غلبه را معیار مشروعیت می‌دانند، دایم و به تکرار در دولت‌داری، نظام‌سازی و جلب حمایت مردم شکست خورده و برپادی‌های بسیار برجا مانده‌اند. به غلبه صوری طالبان فریب نخوریم. اینان زشت‌ترین نمایش حاکمیت مخالفان قرارداد اجتماعی را بازی می‌کنند و اگر چشم از تجارب پربار و افتخارآمیز گذشتگان برنداریم، نیاز واقعی امروز و چشم‌انداز پیروزی فردا را جدی بگیریم، این کارناوال وحشت کوتاه خواهد شد و دوباره فرصت برگشتن به مسیر سازندگی مهیا خواهد گردید. در ۲۰ سال دوره جمهوری اسلامی، همه می‌دانیم که کمیوها، خیانت‌ها و کوتاهی‌های بسیاری رخ داد و پروژه طالب یکی از عوامل اصلی آن زشتی‌ها بود؛ اما جوهر اصلی و قابل دفاع آن دوران، برگشت به مذاکره، قانون‌سازی و تلاش برای تفاهم بر سر قراردادهای اجتماعی بود. در مسیری که بعد از طالبان در آغاز این قرن شروع کردیم، قرار شد قانون معیار باشد و تمام رابطه‌ها بر اساس قراردادهای بشری تنظیم شوند. قوانینی که معرفی شدند، کمبود داشتند، برخی کاپی و پروژه‌های بودند، تعدادی عقب‌مانده و تحمیلی بودند، ولی هرچه بود آن توافقات تقدس نداشتند و بر اصول انسانی و زمینی استوار بودند.

حالا مبارزه اصلی با طالبان بر سر اصول دولت‌داری و سیاست است، نه نقد تاکتیک‌ها، ابزارها و شیوه‌های اجرای اصول طالبانی. اگر اصل مبارزه را فراموش کنیم، مشغول بازی در میدان طالب و مبلغان اصلاح آن گروه می‌شویم.

تلاش برای بازگشائی مکتب، تأمین حقوق کار، آزادی سفر، آزادی تفریح و آزادی بیان باید فروعی از مبارزه اصلی باشند، نه هدف اصلی. چرا که به فرض اگر طالبان همه این حقوق را برگردانند، حتما اجازه دهند موسیقی و رقص هم با دستور امیر طالبان آزاد شود، نه بر مبنای قرارداد و قانون، آنگاه کار مبارزه با طالبان پایان نمی‌یابد؛ چرا که قاعده کسب مشروعیت بر اساس غلبه و شرع ملا هبت‌الله، غیرمدنی و مخالف اصولی است که دولت و سیاست در عصر ما باید بر مبنای آن‌ها استوار باشند.

حکومت همه‌شمول، اصلاح طالبان و امارت رسمیت‌یافته در سازمان ملل متحد، همه در قطب ضد دموکراسی و ضد قرارداد اجتماعی قرار می‌گیرند و هر تلاشی که با سنت دیرینه مبارزات و تلاش‌های مردم ما برای شکلهی حکومت قانونی در تناقض باشد، صلح و آرامش نخواهد آورد و باعث آبادی و انکشاف نخواهد شد، بلکه عمر استبداد را درازتر خواهد کرد و جامعه را به جنگ و رویارویی خونین دیگر خواهد کشید. تاریخ ۱۰۰ سال اخیر کشور ما گواه است که استبداد تحمل نخواهد شد و اگر دولت قانونی ایجاد نکرده، منازعات تازه و رنج‌های بیشتر خلق خواهد شد. مشروعیت امارت طالبانی با جرگه، مصالحه، سازش و حکم خارجی تحقق نخواهد یافت و نظامی که با غلبه ایجاد شود، همیشه با خطر مقاومت روبه رو خواهد بود و تا زمانی که قانون جای فرمان را نگیرد، کشور به حالت عادی بر نخواهد گشت. مأموریت مبارزان آگاه و وطن‌دوست دشمنی با طالبان نه، بلکه ایستادگی برای ساختن نظام مردمی و دموکراتیک است که صاحب قواعدی برای تأمین صلح پایدار و تأمین رفاه و آزادی شهروندان باشد. هر گروهی که علیه این خواست انسانی ساکنان وطن قرار گیرد، به نبرد فرا خوانده خواهد شد و در سراسر افغانستان دشمن خواهد داشت.